

معجزه هدیه‌دادن



حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

یکی از زیبایی‌های دین ما دستورات مهمی است که در باب آداب معاشرت از بزرگان دینی ما رسیده است؛ دستوراتی که همیشه راهگشاست و مرور کردن آن‌ها به ما کمک می‌کند بتوانیم ارتباطاتمان را با دیگران اصلاح و زندگی‌مان را زیباتر کنیم. یکی از این دستورات که احادیث متعددی درباره آن آمده است، هدیه‌دادن است. هدیه‌دادن تأثیرات زیادی دارد و نکات تربیتی زیادی در آن نهفته است. مثل آنکه گاهی یک هدیه کوچک که نشان دهنده محبت شما به کسی است، می‌تواند کدورت‌ها را برطرف و مشکلات بزرگی را حل کند. پیامبر خدا(ص) در این زمینه می‌فرمایند: «به یکدیگر هدیه دهید تا نسبت به همدیگر با محبت شوید. به یکدیگر هدیه دهید، زیرا هدیه کینه‌ها را می‌برد.» در روایت دیگری در شرح همین نکته می‌فرمایند: «برای یکدیگر هدیه بپسید، زیرا هدیه بدخواهی‌ها را از دل‌ها بیرون می‌کشد و کینه‌های دشمنی و نفرت‌ها را برطرف می‌کند.»

به‌راستی هدیه‌دادن خیلی در ارتباطات خانوادگی و دوستی‌ها مؤثر است و کسی که از آن غافل است، در حقیقت دچار خسارت بزرگی می‌شود و گاهی به بن‌بست می‌رسد. باید توجه کرد که وقتی از هدیه‌دادن سخن می‌گوییم، انسان نباید فقط به فکر دوستانش باشد. بلکه گاهی باید برای از بین بردن دشمنی‌ها و کینه‌ها قدم برداشت. امام علی علیه‌السلام در این زمینه می‌فرمایند: «از کسی که از تو عیادت نمی‌کند، عیادت کن و به کسی که به تو هدیه نمی‌دهد، هدیه بده.» نکته بعدی این است که از طرف دیگر خود پیامبر(ص) همیشه هدیه‌ها را از برادران دینی‌شان می‌پذیرفتند و به دیگران نیز توصیه می‌کردند که هدیه‌ها هرچند ناچیز باشد، رد نکنند و تکبر به خرج ندهند که خدای مهربان انسان‌های متکبر را دوست ندارد و می‌فرمودند: «از احترام مرد به برادرش این است که پیشکش او را بپذیرد و از همان چیزی که نزد خود دارد، به او پیشکشی دهد و برای پیشکش دادن چیزی به او، خود را به تکلف و زحمت نیندازد.»

البته همان‌طور که گفته شد، انسان نباید همیشه دنبال دادن هدیه‌های سنگین باشد که او را از هدیه‌دادن بازدارد، بلکه نکته اصلی در هدیه‌دادن همین است که طرف مقابل متوجه ابراز محبت شما بشود. پس هدیه‌دادن هرچند که کوچک باشد، مهم و تأثیرگذار است. در روایات ما بیان شده است که حتی جملات زیبارا می‌توانیم به دیگران هدیه بدهیم؛ جملاتی که در زندگی دیگری راهگشاست و می‌تواند زندگی کسی را عوض کند. از نکته‌های ریز دیگری که در روایات ما در باب آداب هدیه‌دادن آمده است، نهی از هدیه‌دادن به مسئولان و کارگزاران حکومتی است و نهی از اینکه کسی هدیه‌ای را که داده است، پس بگیرد. امام صادق(ع) درباره مردی که صدقه‌ای می‌آورد تا به سائل بدهد، اما وقتی دم درمی‌آید، می‌بیند او رفته است، فرموده‌اند: «باید آن را به سائل دیگری بدهد و به مالش برنگرداند.»

در هر صورت اگر تا امروز اهل هدیه‌دادن نبوده‌اید، همین امروز نیت کنید که به عزیزان خودتان هدیه بدهید تا دل آن‌ها را شاد کنید و خاطره‌های زیبارا برای آن‌ها به جا بگذارید و درباره کسانی که با آن‌ها کدورتی داشته‌اید، حتماً برای اصلاح رابطه‌ها به فکر استفاده از معجزه هدیه‌دادن باشید.

به امید روزی که با به کار بستن دستورات زیبای دین، زندگی‌های ما آرامش و صفای الهی پیدا کند. ان شاء...

بردار و بخوان

امام رضا(ع) و کرامت انسانی

کرامت انسان در قرآن، یک اصل آفرینش درنظر گرفته شده و امری است که با سرشت انسان تنیده شده است. در بسیاری از متون دینی به این نکته اشاره شده است که انسان با چه رفتارهایی می‌تواند خودش را به قله کمال انسانیت برساند و در شأن انسانی خود آن گونه که پروردگار عالم او را خلق کرده است، رفتار کند. اما اینکه کرامات و جایگاه اصلی انسان چیست، یکی از دغدغه‌های انسان‌های حقیقت‌جو بوده است، از این‌رو اهل بیت نبوت به دنبال این بوده‌اند که آنچه خداوند در قرآن کریم از کرامت انسانی بیان می‌کند، چیست و با چه کارهایی به‌دست می‌آید. در سوره اسراء، آیه ۷۰، شأن و منزلت انسان این گونه بیان شده است: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممّا خلقتنا تفضیلاً، ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانیدیم، از چیزهای پاکیزه روزی‌شان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم، قرآن برای حفظ کرامت انسان، نگرش طبقاتی را نفی می‌کند و آن را با کرامت انسان، ناسازگار می‌داند و همواره توصیه می‌کند که انسان از این نگرش دست بشوید. رسول خدا(ص) به یهودیان و مسیحیان پیشنهاد کرد که: (بیاوید همدیگر را به جای خدا ارباب نگیریم). نظام ارباب‌پرورعیتی، زاینده نگرش طبقاتی است. در این نگرش، بعضی بر بعض دیگر برتری دارند و باید در خدمت آن بعض قرار گیرند. در این روش، عزت انسان سرکوب و لگدمال می‌شود و همواره عده‌ای از مردم، خودشان را در برابر عده‌ای دیگر خوار و کوچک می‌بینند. در جزیره العرب و در فرهنگ بومی آنجا، چنین نگرشی شایع بود و این نگرش آن قدر عمیق و گسترده بود که حتی آداب عبادی را هم دربر می‌گرفت. با دقت در بعضی آیات، چنین به‌دست می‌آید که در ذهن پاره‌ای از اشراف که مسلمان شده بودند، این باورها همچنان ریشه داشت و قرآن در بسیاری از زمینه‌ها، آن‌ها را مطرح و یادآوری کرده است؛ ازجمله آنکه در آداب برگزاری مراسم حج، اشراف در عرفات از منطقه‌ای که توده مردم حرکت می‌کردند، حرکت نمی‌کردند و این کار را بر خلاف شأن خود می‌دانستند. قرآن به آنان تذکر می‌دهد که این قبیل بینش‌های طبقاتی را کنار بگذارید و می‌گوید: ثم افیضوا من حیث افاض التائب و استغفروا... ان... غفور رحیم؛ پس از همان جایی که [انبیاء] مردم روانه می‌شوند، شما نیز روانه شوید و از خداوند آموزش خواهید که خدا آمرزنده مهربان است.» در کتاب «امام رضا(ع) و کرامت انسانی»، نویسنده کوشیده است با استفاده از احادیث و روایات‌های به‌جای‌مانده از ائمه به‌خصوص امام هشتم(ع) پاسخ مناسبی به این‌گونه سؤال‌ها بدهد.

محمد حکیمی در این اثر می‌کوشد با استناد به آیات و روایات، منزلت و کرامت انسانی را یادآوری کند. نویسنده در مقدمه درباره کرامت انسانی آورده است: «بها دادن به انسان‌ها و باور کرامت انسانی، تنها یک شعار نیست که در سخنرانی‌ها از آن گفته آید و در عینیت و عمل دیده نشود؛ باید چنان بود که در سراسر زندگی پیشوایان و امام‌رضا(ع) شکوفا شده است، چنان که امام باقر(ع) فرموده است: باید انسان‌های گرفتار را رهایی بخشید و مشکلات آنان را برطرف کرد و راه زندگی مادی و معنوی آنان را هموار ساخت و این احیای انسان‌ها و توجه به کرامت انسانی است، نه بناهای مجلل و پرزینه مذهبی برپا کردن و به نابسامانی‌های جامعه و مردم توجه نداشتن.»

برشی از کتاب:

«در حاکمیت زمامداران معصوم(علیهم‌السلام)،

حقوق انسان‌ها و پاسداری از کرامت توده‌ها، از برنامه‌های اصلی دولت اسلامی و امامت الهی است. در برخی از این تغییرها، ژرف‌نگری تا اصالت کرامت انسانی به‌نیکی روشن شود. به‌راستی و در عینیت و عمل، حاکم اسلامی و پیشوای مسلمانان، برای مردم مونس‌ی غمگسار است و برای زدودن دردها و رنج‌ها برنامه دارد و دست نفوذی‌ها و دشمنان دوست‌نما را کوتاه می‌کند و به نابسامانی‌ها پایان می‌دهد.

مردم نیز باور دارند که امام برای آنان چون پدری مهربان است و برای دفاع از حقوق آنان به‌راستی فداکاری می‌کند تا همه مردم به آسایش و آرامش دست یابند و دشواری‌های زندگی را کنار زنند و کرامت انسانی خویش را باز یابند.

شهر
خبر
۱۴
شماره ۲۵
مهر ۱۳۹۷
شماره ۲۵

۱۴

شهر
خبر
۱۴
شماره ۲۵
مهر ۱۳۹۷
شماره ۲۵

اهمیت عقل و ویژگی‌های فرد عاقل در آیات و روایات

عقل ابزار آگاهی است



حمیده ذاکری| عقل یا خرد به معنی قوه تشخیص و قضاوت است. قوه‌ای که به ما کمک می‌کند در مسیر زندگی کمتر خطا کنیم و آن‌گاه که بناست کاری را انجام دهیم یا نظری را اعلام کنیم، به کمک آن عملی سنجیده داشته باشیم. خوب است همین ابتدا بدانیم که عقل با هوش متفاوت است. هوش، ذاتی و خرد انکسابی است و گاه افراد نخبه‌ای هستند که به درجه خرد و پختگی نر سیده‌اند. در ادبیات درباره خرد بسیار صحبت شده است و فرد خردمند حکیمی است که دارای قوه تمیز و تشخیصی است و در کنار دانش، دارای فهم و درکی است که از تجربه و همچنین تفکر به‌دست آمده است. اسلام بیش از هر دینی انسان را به تفکر و تعقل دعوت کرده است. این حقیقت را به‌راحتی می‌توان با رجوع به آیات قرآن و روایات اسلامی، بی‌نیاز از هر تأویل و تفسیری دریافت. در ادامه، به کمک روایات به شرح اهمیت و جایگاه خرد در اسلام خواهیم پرداخت.

عقل، محل تشخیص حق از باطل

از بین ائمه معصوم، امام علی(ع) روایات متعددی در اهمیت عقل و تعقل دارند. ایشان در حدیثی ارزش آدمی را به عقل و زیرکی او دانسته‌اند و در اهمیت عقل بیان کرده‌اند که «عقل و خرد محکم‌ترین اساس برای بنای کارهاست». همچنین «به عقیده این امام بزرگوار، عقل و خرد جامه‌ای نواست که کهنه نمی‌شود(تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۰)». امام رضا(ع) در بیان ارزش و اهمیت عقل می‌فرمایند: «دوست هرکس عقل او و دشمنش جهل اوست. (تحف العقول، ص ۴۴۳)، همچنین امام صادق(ع) در اهمیت عقل چنین فرموده‌اند: «ستون انسانیت، عقل است و از عقل، زیرکی، فهم، حفظ و دانش برمی‌خیزد. با عقل، انسان به کمال می‌رسد. عقل، راهنمای انسان، بیناکنده و کلید کارهای اوست. هرگاه عقل با نور یاری شود، دانا، حافظ، تیزهوش و فهیم می‌شود و بدین وسیله (پاسخ) چگونه، چرا و کجا را می‌فهمد و خبر خواه و دغل کار را می‌شناسد و هرگاه این را دانست، مسیر حرکت خویش و بیگانه را می‌شناسد و در توحید و طاعت خداوند اخلاص می‌ورزد و چون چنین کرد، آنچه از دست رفته است، جبران می‌کند و بر آنچه در آینده می‌آید، چنان وارد می‌شود که می‌داند در کجای آن است و برای چه منظوری در آنجاست. از کجا آمده است و به کجا می‌رود. این همه از پرتو تأیید عقل است. (کافی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۳)،

عقل، پیامبر درونی

کلمه عقل ۴۹ بار در قرآن تکرار شده است و بیشتر درباره منافقین و کفار است. این دو گروه به‌عنوان کسانی توصیف شده‌اند که حتی نازل‌ترین مرتبه عقل را نیز دارا نیستند و به‌طور کلی از نعمت عقل بهره نمی‌برند. آن‌گونه که در آیه ۲۲ سوره انفال می‌فرماید: «بدترین جنین‌دگان نزد خدا کسانی هستند که (در شنیدن و گفتن حرف حق) کرو لال‌اند و اصلاً تعقل نمی‌کنند.» باتوجه به این آیه، عقل یکی از راه‌های رسیدن به شناخت و ابزار آگاهی است. از این‌روست که امام علی(ع) عقل را خلیل(دوست) مؤمن و امام صادق(ع) عقل را دلیل(راهنما) مؤمن نامیده‌اند. قرآن خردمندان را افراد پرهیزگار و باایمان معرفی کرده است: «پس شما ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و راه اطاعت پیش گیرید که خدا برای هدایت شما قرآن را نازل کرد. (طلاق، ۱۰)، همچنین عبرت‌آموزی یکی از نشانه‌های عقل و خرد است. آنجا که در قرآن کریم می‌خوانیم: «آیا کفار قریش از مشاهده حال طوایف بسیاری از گذشتگان که ما همه را هلاک کردیم و اینان در منازل و عمارت‌های ایشان قدم می‌زنند، عبرت نگرفتند و هدایت نیافتند؟! آری، خردمند نیستند، وگرنه احوال گذشتگان برای خردمندان بسیار مایه عبرت و نشانه هدایت است. (طه، ۱۲۸)،

فرد عاقل منبع خیر و نیکی است

همان‌طور که در روایات برای عقل نشانه‌هایی ذکر شده است، درباره ویژگی‌های فرد عاقل نیز نشانه‌هایی آمده است. امام رضا(ع) ۱۰ نشانه را برای فرد عاقل ذکر کرده‌اند. ایشان در این باره فرموده‌اند: «عقل شخص مسلمان تمام نیست، مگر اینکه ۱۰ خصلت را دارا باشد: از او امید خیر باشد، مردم از بدی او در امان باشند، خیر اندک دیگری را بسیار شمارد، خیر بسیار خود را اندک شمارد، هرچه حاجت از او خواهند، دل تنگ نشود؛ در عمر خود از دانش طلبی خسته نشود، فقر در راه خدایش، برای او از توانگری محبوب‌تر باشد، خوری در راه خدایش از عزت یادشمنش محبوب‌تر باشد، گمنامی را بیشتر از شهرت بخواد. سپس فرمودند: دهمین و چیست و دهمین؟ احدی را ننگرد جز اینکه بگوید او از من بهتر و پرهیزگارتر است. (تحف العقول، ص ۴۴۳)،

عقل و انتخاب خوبی

واژه «عقل، در زبان عرب به معنای نگه داشتن، بازداشتن و حبس کردن است. همانند بستن شتر با عقال، همان گونه که عقال، شتر را از حرکت بیجا بازمی‌دارد. نیرویی در جان انسان به‌نام «عقل، وجود دارد که او را از نادانی و لغزش در اندیشه و عمل بازمی‌دارد. از این‌رو، پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرمایند: «خرد، بازدارنده از نادانی است.» شیخ حرعاملی در انتهای باب «وجوب طاعة العقل ومخالفة الجهل (لزوم پیروی از عقل و نافرمانی از نادانی)، درباره معانی عقل، چنین می‌گوید: عقل، در سخن اندیشمندان و حکیمان، معانی بسیار دارد و با جست‌وجو در احادیث، سه معنا برایش به دست می‌آید:

۱. نیرویی که بدان خوبی‌ها و بدی‌ها و تفاوت‌ها و زمینه‌های آن شناخته می‌شود و این، معیار تکلیف شرعی است.
۲. قوه و ملکه‌ای که به انتخاب خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها فرامی‌خواند.
۳. تعقل و دانستن. از این‌رو، در برابر جهل (نادانی) قرار می‌گیرد. نه در برابر دیوانگی. بنا به گفته این حکیم بزرگوار، عقل در احادیث بیشتر در معنای دوم و سوم یعنی قوه تشخیص و همچنین وسیله تعقل و دانستن معرفی شده است.

عقل و عبودیت

تأکید بر قوه عقل و تقویت مهارت اندیشه‌ورزی و تفکر در زندگی بشری، در دین مبین اسلام زیاد است. هرچند که در نظر علما آنچه انسان عاقل را در نهایت در راه درک جهان هستی یاری می‌دهد و آگاهی او را کامل می‌کند، نیروی وحی است؛ اما انسان با کمک قوه عقل می‌تواند از بسیاری از گناهان دوری کند و زندگی‌اش را بر مدار سلامت تنظیم کند. با تفکر در نظم هستی، انسان به قدرت الهی پی می‌برد و سر تعظیم بر درگاه الهی فرومی‌آورد. امام علی(ع) می‌فرمایند: «خداوند با چیزی بهتر از عقل عبادت نشده است و عقل کسی کامل نشود، مگر در او چند خصلت باشد: کفر و بدی از او انتظار نمی‌رود، رشد و خوبی در او امید می‌رود، زیادی ثروتش بخشوده و زیادی سخنش نگه داشته شده است، بهره‌او از دنیا فقط غذای روزانه است. در طول زندگی از دانش سیر نمی‌شود، خوری را با خداوند از عزت یادگیران، بیشتر دوست دارد. تواضع نزد او دوست‌داشتنی‌تر از شرف و بزرگی است، خوبی کم دیگران را بسیار و خوبی بسیار خود را کم می‌شمرد، همه مردم را از خودش بهتر و خود را نزد خویش از همه بدتر می‌داند و این مهم‌ترین خصلت است. (کافی، ج ۱، ص ۱۸، ح ۱۲۷)،